



واحد مرودشت

دانشکده علوم تربیتی روانشناسی - گروه روان شناسی
پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد **M.A**

گرایش:

روانشناسی تربیتی

عنوان:

نقش واسطه گری خودکارآمدی برای سبک های یادگیری و انگیزش
پیشرفت دانش آموزان دبیرستانی شهرستان ابرکوه

استاد راهنما:

دکتر سلطان علی کاظمی

استاد مشاور:

دکتر آذرمیدخت رضائی

نگارش:

مرضیه زارع

تابستان ۹۰

تقدیم به

پدر و مادر عزیزم به پاس دلوای سپی ما و دشوره ما و امیدهای بی پایان آنها برای من و به امید روزهای آبی
سرشار از زندگی برای آنها که بحکم سنگیایی و وفا هستند.

تقدیم به

همسر عزیزم که مرا در رسیدن به این هدف یاری کرده است.

تقدیم به

فرزندم که امید زندگی من است

سپاسگزاری

بر خود واجب می دانم از استادان فریخته و ارجمندی که در دین و سامان یافتن این پایان نامه به بنده یاری رسانند، تقدیر و سپاس گزاری کنم، مقام شیخ استاد بزرگوار و دانشمند، جناب آقای دکتر سلطانعلی کاظمی را که خوشه چین علم و معرفتشان بوده ام، ارج می نهم و از راهنمایی های عالمانه و ارزشمند ایشان در مراحل مختلف پژوهش، و نیز حوصله و دقتی که در دین پایان نامه مبذول داشتند کمال تشکر و قدردانی را دارم. بر خود واجب می دانم که از استاد ارجمند دلروز، سرکار خانم دکتر آذمیدخت رضایی که باروی کشاده و صمیمیت تمام، بنده را تشویق و راهنمایی کردند، تقدیر کنم.

چکیده:

هدف تبیین نقش واسطه‌گری خودکارآمدی بین متغیرهای سبک‌های یادگیری و انگیزش پیشرفت می‌باشد. جامعه‌ی تحقیق کلیه دختران دبیرستانی شهرستان ابرکوه می‌باشند. به منظور انجام این پژوهش ۲۰۰ نفر از دانش‌آموزان دختر رشته‌ی انسانی شهرستان ابرکوه به شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به عنوان نمونه تحقیق مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزارهای مورد استفاده در این تحقیق پرسشنامه سبک‌های یادگیری کلب (۱۹۸۵) و پرسشنامه انگیزش پیشرفت هرمنس (۱۹۷۰) و پرسشنامه خودکارآمدی شرر (۱۹۸۸) می‌باشد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های خام از شیوه‌ی آماری تحلیل مسیر استفاده شد و داده‌ها در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج تحلیل حاکی از آن بود که خودکارآمدی نقش واسطه‌گری معناداری برای متغیر سبک‌های یادگیری (همگرا و واگرا) و متغیر انگیزش پیشرفت بازی می‌کند و سبک‌های یادگیری (جذب‌کننده و انطباق‌یابنده) با خودکارآمدی و انگیزش پیشرفت رابطه معناداری ندارد.

کلید واژه‌ها: خودکارآمدی، سبک‌های یادگیری، انگیزش پیشرفت

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

الف	تقدیم به
ب	سپاسگزاری
ج	چکیده

فصل اول : کلیات پژوهش

۱	مقدمه
۳	بیان مسئله
۷	اهمیت و ضرورت
۹	هدف
۹	فرضیه
۹	تعاریف نظری متغیرها
۱۰	تعاریف عملیاتی متغیرها

فصل دوم: پیشینه و ادبیات تحقیق

۱۱	الف) گسترده نظری
۱۱	تاریخچه شکل گیری نظریه شناخت اجتماعی
۱۳	خودکارآمدی
۱۴	داوری در مورد سطح خودکارآمدی
۱۵	تأثیر خودکارآمدی بر عواطف
۱۷	اثرات خودکارآمدی بر سطح انگیزش
۱۷	خودکارآمدی چگونه به وجود می آید؟

- ۱۷..... مراحل رشد الگوگیری و خودکارآمدی
- ۱۸..... ابعاد خودکارآمدی
- ۱۹..... ویژگی افراد خودکارآمد
- ۱۹..... سبک های یادگیری
- ۱۹..... روانشناسی یادگیری
- ۲۰..... یادگیری و ویژگی های فردی فراگیران
- ۲۲..... معلمان، سبک های یادگیری و دانش آموزان
- ۲۲..... تفاوت های سبک های یادگیری با سبک های شناختی
- ۲۳..... تعریف سبک های یادگیری و دیدگاه های مختلف در خصوص آن ها
- ۲۵..... سبک های وابسته به زمینه و ناپسته به زمینه
- ۲۶..... سبک های یادگیری تکانشی و تأملی (اندیشمندانه)
- ۲۶..... سبک عینی و انتزاعی
- ۲۷..... سبک های یادگیری از دیدگاه کلب
- ۲۷..... یادگیری تجربی
- ۲۷..... چرخه ی یادگیری و شیوه های یادگیری
- ۳۰..... تجربه عینی
- ۳۰..... مشاهده اندیشمندانه
- ۳۱..... مفهوم سازی انتزاعی
- ۳۱..... آزمایشگری فعال
- ۳۲..... سبک های یادگیری کلب
- ۳۲..... سبک یادگیری واگرا
- ۳۲..... سبک یادگیری جذب کننده

۳۳	سبک یادگیری همگرا
۳۳	سبک یادگیری انطباق یابنده
۳۶	دیدگاه هانی و مامفورت در سبک های یادگیری
۳۸	پیشرفت تحصیلی و رابطه آن با سبک های یادگیری
۳۹	انگیزش پیشرفت
۳۹	مفهوم انگیزش
۴۰	انگیزه پیشرفت
۴۱	ویژگی رفتاری افراد با انگیزش پیشرفت بالا
۴۲	انگیزش و یادگیری
۴۴	ویژگی شخصی افراد دارای انگیزه پیشرفت
۴۵	نظریه های انگیزش
۴۵	نظریه هنری مورای
۴۵	نظریه دیوید مک کلند
۴۶	نظریه اتکینسون
۴۷	نظریه برناردواینر
۴۸	نظریه اسپنس هلمریچ
۴۸	نظریه انگیزه پیشرفت دوگانه
۴۹	نظریه پارسونز
۴۹	نظریه مسیر - مرحله (راینور - انتین)
۵۰	نظریه هرمنس
۵۱	ب) گستره عملی تحقیق
۵۱	تحقیقات انجام شده در خارج از کشور

تحقیقات انجام شده در داخل کشور..... ۵۹

جمع بندی ۶۴

فصل سوم: روش شناسی پژوهش

روش پژوهش ۶۶

جامعه آماری..... ۶۶

ابزار جمع آوری داده ها ۶۷

پرسشنامه سبک های یادگیری..... ۶۷

پرسشنامه انگیزش پیشرفت..... ۶۹

پرسشنامه خودکارآمدی..... ۶۹

روش اجرای پژوهش ۷۰

روش تجزیه و تحلیل داده های پژوهش..... ۷۱

مسائل اخلاقی پژوهش ۷۱

فصل چهارم: یافته های پژوهش

الف) داده های توصیفی ۷۲

ب) داده های استنباطی ۷۴

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

خلاصه ۷۹

بحث نتیجه گیری ۷۹

دستاوردهای اصلی پژوهش..... ۸۴

محدودیت های پژوهش ۸۴

پیشنهادها..... ۸۴

پیشنهادهای کاربردی..... ۸۵

پیشنهادهای پژوهش ۸۵

منابع فارسی ۸۶

منابع انگلیسی ۸۹

پیوست

پیوست الف

پرسشنامه سبک یادگیری

پرسشنامه خودکارآمدی

پرسشنامه انگیزش پیشرفت

پیوست ب

چکیده انگلیسی

فهرست جداول

صفحه

عنوان

جدول ۱-۴: میانگین و انحراف معیار متغیرهای مورد مطالعه	۷۲
جدول ۲-۴: ماتریس همبستگی متغیرهای مورد مطالعه	۷۳
جدول ۳-۴: ضرایب رگرسیون سلسله مراتب	۷۴
جدول ۴-۴: اثر متغیرهای برون زاد بر خود کارآمدی	۷۴
جدول ۵-۴: اثر مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای برون زاد و واسطه بر متغیر درون زاد	۷۵
جدول ۶-۴: ضرایب رگرسیون سلسله مراتبی	۷۶
جدول ۷-۴: اثر متغیرهای برون زاد بر خود کارآمدی	۷۶
جدول ۸-۴: اثر مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای برون زاد و واسطه بر متغیر درون زاد	۷۸

فهرست مدل ها

صفحه

عنوان

.....

مدل ۴-۱: مسیرهای مختلف در تحلیل مسیر..... ۷۵

مدل ۴-۲: مسیرهای مختلف در تحلیل مسیر..... ۷۷

فصل اول

کلیات پژوهش

مقدمه

آموزش و پرورش به جهت نقش مهم و خطیری که در امر تعلیم و تربیت نسل آینده ساز و فرآیند اجتماعی شدن دانش آموزان به عهده دارد یکی از نهادهای مهم و زیر بنایی در جامعه به شمار می رود که مقادیر زیادی از منابع مالی و انسانی را به خود اختصاص داده است. یکی از آفات هر نظام آموزشی، افت تحصیلی است که به دلایلی از جمله عدم توجه به روش یادگیری دانش آموزان و انگیزش پیشرفت آنان بروز می کند، که بیشتر به شکل مردودی و ترک تحصیل ی هر ساله مبالغ هنگفتی خسارت و زیان اقتصادی برای جوامع ایجاد می کند.

از عوامل مهم در خصوص مطالعه تأثیر تفاوت های فردی در یادگیری است که از دیرباز مورد توجه پژوهشگران و نظریه پردازان یادگیری و متخصصان تعلیم و تربیت قرا گرفته. تلاش برای درک چگونگی یادگیری بشر در سال ۴۲۷ قبل از میلاد، هنگامی که سقراط و افلاطون با نظریه فیلسوفانه خود سرچشمه دانش را کاویدند، آغاز شد. گوردن آلپورت در سال ۱۹۷۳ با معرفی سبک های زندگی اصطلاح سبک را وارد روان شناسی کرد. اما فرضیه سازی اصلی در مورد تفاوت های یادگیری در سال ۱۹۵۴ که اصطلاح سبک یادگیری مطرح شد آغاز گردید.

در دهه ی ۱۹۷۰، مفهوم سبک یادگیری گسترش بیشتری یافت و در میان آموزش دهندگان محبوب شد و سبک یادگیری به منزله اصطلاح متداول تر یا جانشینی برای سبک شناختی شد. در سال ۱۹۷۰ تحقیقات وسیعی درباره سبک انجام گرفت ولی رفته رفته از میزان آن ها کاسته شد اما امروزه علاقه به مطالعه سبک ها مجددا اهمیت یافته است و استفاده از مفهوم سبک فقط به روان شناختی محدود نمی شود بلکه زمینه های دیگر روان شناسی نیز مجذوب اهمیت گسترده و انعطاف پذیر این مفهوم شده اند.

طی سال ها دانشمندان علوم رفتاری مشاهده کرده اند که تعدادی از انسان ها نیاز شدیدی به پیشرفت دارند و برخی دیگر که شاید اکثریت را تشکیل می دهند به نظر می رسد که آن قدر ها نیاز به

پیشرفت را در خود احساس نمی کنند. این پدیده نخستین بار به صورت علمی مورد توجه روان شناس مشهور دانشگاه هاروارد مک کلند^۱ قرار گرفت.

متغیر دیگری که اثر وسیعی بر فرآیندهای انگیزش دارد خودکارآمدی می باشد این مفهوم به صورت گسترده در نظریه شناختی - اجتماعی مطرح گردیده است.

براساس نظریه و پژوهش بندورا (۱۹۹۵) سطوح خودکارآمدی می تواند انگیزش را افزایش دهد.

انسان های با خودکارآمدی بالا بیشتر تکالیف چالش انگیز را انتخاب می کنند و هدف های بالاتری را تنظیم می کنند. از جمله تفاوت های فردی میان دانش آموزان تفاوت در نوع سبک یادگیری^۲ و میزان انگیزش پیشرفت دانش آموزان است و از عوامل روان شناختی موثر بر عملکرد در تحصیل دانش آموزان به شمار می روند. خودکارآمدی به واسطه ی انگیزه ی درونی موجب می شود که فرد به طور خود انگیخته در محیط تلاش کند و به باورهای کارآمدی خود دست یابد. طبیعت هم چون معلمی نامرئی فرد را به جنب و جوش وادار می دارد تا ظرفیت های مختلف تحول را در مراحل متنوع و متفاوت آشکار سازد. معلمان به عنوان الگویی موثر در جهت آموزش کارآمدی، ایجاد زمینه های رشد فرهنگی و افزایش انگیزه ی پیشرفت دانش آموزان نقش مهمی ایفا می کنند.

بررسی سبک های یادگیری و انگیزش پیشرفت دانش آموزان دبیرستانی و هم چنین نقشی که

خودکارآمدی در این بین دارد می تواند منجر به درک صحیح تری از شناخت این دانش آموزان گردد.

کیفیت کارآمدی در مراحل گوناگون رشد و تکامل مختلف است بنابراین، آشنایی با مبانی

روانشناسی تحولی در حیطه ی خودکارآمدی برای مسئولان آموزش و پرورش امری ضروری و پیش بینی

آن از اصول بنیادی در برنامه ریزی های آموزشی است مسئولان پرورش با توجه به این امر در کنار توجه

به تغییرات هر ساله کتب درسی می توانند به موفقیت های چشم گیرتری در رشد و پرورش همه جانبه

فرد دست یابند که در نتیجه ی آن انگیزه ی پیشرفت دانش آموزان نیز ارتقاء خواهد یافت (شعاری نژاد،

۱۳۶۶).

^۱ . Maclelland

^۲ . Learning style.

بیان مسئله

یکی از واقعیت‌های مهم هستی وجود تنوع در میان پدیده‌های عالم است. نه تنها گونه‌های مختلف جانداران و گیاهان با هم فرق دارند بلکه اعضای هرگونه نیز با یکدیگر متفاوت‌اند. انسان‌ها نیز مشمول همین قاعده‌اند. دانش‌آموزان از لحاظ توانایی‌های ذهنی، روش‌های آموختن، سبک و سرعت یادگیری، آمادگی و علاقه و انگیزش نسبت به کسب دانش با هم تفاوت دارند همان‌گونه که دانش‌آموزان شخصیت متفاوتی دارند روش‌های یادگیری آن‌ها نیز متفاوت است. عوامل مختلفی موجب تفاوت در میان یادگیرندگان می‌شود مسئله‌ای که سال‌های اخیر بیشتر از بقیه عوامل نظر روان‌شناسان پرورشی و متخصصان آموزشی را به خود جلب کرده تنوع سبک یادگیری است. نتایج پژوهش‌های انجام شده در این باره نیز تاکید کرده‌اند که توجه به تفاوت‌های فردی یادگیرندگان از سوی معلمان در بهبود کیفیت یادگیری و افزایش سطح پیشرفت تحصیلی آنان بسیار تأثیرگذار است (سیف، ۱۳۸۷).

اصطلاح سبک یادگیری به معنای «راه‌های مورد پسند فرد برای مطالعه و یادگیری مانند استفاده از تصاویر به جای کتاب کار کردن با دیگران به عوض تنها کار کردن، یادگیری موقعیت‌های ساختارمند در مقابل موقعیت‌های غیر ساختارمند و غیره» (وولفک^۱، ۲۰۰۴ به نقل از سیف ۱۳۸۷).

از میان سه دسته سبک‌های یادگیری شناختی^۲ فیزیولوژی^۳ و عاطفی^۴، سبک‌های شناختی با اهمیت‌ترند. سبک‌های یادگیری شناختی عبارتند از طریقی که شخص موضوعات را ادراک می‌کند، اطلاعات را به خاطر می‌سپارد، درباره مطالب می‌اندیشد و مسائل را حل می‌کند این سبک‌ها متنوعند و یکی از مهمترین آن‌ها سبک یادگیری همگرا، واگرا، جذب‌کننده و انطباق‌یابنده است، که دیوید کلب (۱۹۸۵) آن‌ها را انجام داده است. کلب معتقد است که یادگیری در یک چرخه چهار مرحله‌ای بنام چرخه‌ی یادگیری تجربی^۵ صورت می‌گیرد. که هر مرحله معرف یک شیوه یادگیری است از ترکیب دو

^۱ . woolfolk.

^۲ . cognitive style.

^۳ . phisiological learning style.

^۴ . affective learning style.

^۵ . Experinietal learning style.

به دوی شیوه های یادگیری چهار روش یادگیری به وجود می آید. که عبارتند از شیوه یادگیری همگرا^۱ روش یادگیری جذب کننده^۲، روش یادگیری انطباق یابنده^۳ و شیوه یادگیری واگرا^۴.

هین و بادی^۵ (۲۰۰۰) معتقدند زمانی که سبک های یادگیری و نوع ترجیحات دانش آموزان شناسایی و در نظر گرفته شود، انگیزش آن ها برای یادگیری افزایش می یابد و زمانی که دانش آموزان برای یادگیری بیشتر برانگیخته می شوند، پتانسیلی برای یادگیری گسترده وجود دارد (عبادی، ۱۳۸۴). یکی از عواملی که می تواند از سبک های یادگیری متاثر گردد خود کارآمدی است که به معنای باور دانش آموزان درباره ی توانایی خود برای فهمیدن یا انجام دادن تکالیف درسی دلالت دارد. خود کارآمدی^۶، به عنوان یک عامل انگیزش فعال کننده نیرو دهنده و هدایت کننده رفتار به سوی هدف تعریف شده است. (پنتریچ و دی گروت^۷ ۱۹۹۰).

پیاژه معتقد است که طرحواره های خود کارآمدی طی درون سازی و برون سازی های بی شماری که در محیط های غنی رخ می دهد شکل می گیرند.

پورافکاری (۱۳۸۵) باورهای شخصی در مورد توانایی برای کنار آمدن با موفقیت های متفاوت را خود کارآمدی می داند.

مانند معیارهای عملکرد درونی شده، کارآمدی شخصی تصویری یا خود کارآمدی تصویری^۸ نیز نقش مهمی در رفتار خود نظم دهی ایفا می کند. کارآمدی شخصی تصویری به باورهای شخصی در ارتباط با توانایی اش در انجام امور دلالت می کند و از منابع مختلف از جمله توفیق ها و شکست های خود فرد مشاهده ی موفقیت یا شکست دیگرانی که شبیه به او هستند و ترغیب های کلامی سرچشمه می گیرد.

1 . con verger.

2 . Assimmi lator.

3 . Accommodator.

4 - Diverger

5 . Hein, T. L & Budn, D.O.

6 . self – efficacy.

7 . pintrich & Degroot.

8 . Perceived self – efficacy.

اشخاصی که دارای کارآمدی شخصی تصویری بالایی هستند بیشتر می‌کوشند، بیشتر موفق

می‌شوند و از کسانی که سطح کارآمدی شخصی تصویری شان پایین تر است پشتکار بیشتری از خود نشان می‌دهند و ترس کمتری را تجربه می‌کنند (سیف، ۱۳۸۷).

بندورا (۱۹۸۶) نظر می‌دهد که چون افراد دارای کارآمدی سطح بالا بر روی امور کنترل بیشتری

دارند عدم اطمینان کمتری را تجربه می‌کنند و از آن‌جا که افراد از رویدادهایی که بر آن‌ها کنترل ندارند می‌ترسند و در نتیجه از آن‌ها نامطمئن هستند افرادی که دارای کارآمدی سطح بالا هستند کمتر می‌ترسند.

مولفه‌ی شناختی که تحت تاثیر عوامل مختلف از جمله خودکارآمدی دانش‌آموزان قرار دارد

انگیزش پیشرفت^۱ می‌باشد. این مولفه‌ی شناختی متغیری فرضی است که روان‌شناسان تربیتی بود و نبود و درجات آن را در دانش‌آموزان از راه مشاهده‌ی رفتار در محیط‌های آموزشی با نمرات درسی اخذ شده استنباط می‌کنند.

منظور از انگیزه پیشرفت «میل با اشتیاق برای کسب موفقیت و شرکت در فعالیت‌هایی است که

موفقیت در آن‌ها به کوشش و توانایی شخصی وابسته است. بین انگیزه‌ی پیشرفت و خودکارآمدی رابطه‌ی تداخلی و تعاملی وجود دارد معمولاً دانش‌آموزان با وجود خودکارآمدی بالا به موفقیت چشم‌گیر در موفقیت‌های تحصیل دست می‌یابند. (بهرامی و عباسیان فرد، ۱۳۸۹).

بنابراین داشتن انگیزه‌ی پیشرفت بالا موجب می‌شود که فرد از حداکثر توان خود برای رسیدن به

هدف استفاده کند و در ادامه به سطح بالایی از خودکارآمدی دست یابد. با توجه به تأثیرات متقابل و

متعامل خودکارآمدی با انگیزش پیشرفت باید موقعیت‌های یادگیری متنوع و روش‌های آموزشی

متفاوتی برای دانش‌آموزان فراهم آورد تا آن‌ها بتوانند به میزان توانایی و سبک‌های شناختی خود آن

چه را ترجیح می‌دهند انتخاب کنند و از کلاس بهره‌گیرند. این نوع تفکر با نظر پیازه در این زمینه

هماهنگ است.

^۱ . achievement motivation.

یافته های پژوهشی دانشمندان علوم تربیتی و روان شناسی در زمینه یادگیری، افق های تازه ای را برای انسان ها گشوده است. این یافته ها موجب شده است که آموزش و یادگیری نه به عنوان یک فعالیت تصادفی بلکه به صورت یک روند علمی و منظم تلقی شود. با شناخت سبک های یادگیری دانش آموزان نه تنها می توان در زمینه آموزش و یادگیری به آن ها کمک نمود بلکه می توان هر فرد را به رشته تحصیلی و شغل مناسب هدایت نمود. خصوصا با توجه به پیچیدگی جوامع امروزی، افزایش تفاوت های افراد و تنوع مشاغل و رشته های مختلف تحصیلی.

همین طور به نظر میرسد که اگر یادگیرندگان به عنوان عناصر اصلی در احیاء نظام های آموزشی به حساب نیایند، آموزش و پرورش نمی تواند با نیازهای آینده جوامع همگام شود. به بیان دیگر آموزش و پرورش باید در جهت تربیت یادگیرندگانی اقدام کند که مسئولیت یادگیری فرد را می پذیرند و قادرند دست به انتخاب های هوشمندانه بزنند. یادگیرندگان خود گردانی که دارای مهارت های طراحی، سازماندهی، نظارت کردن بر جریان یادگیری و تغییر و اصلاح فرآیند یادگیری و اندیشه خود هستند. این مهارت ها بعدها می توانند برای حل مسائل زندگی، تصمیم گیری های مناسب و یادگیری مادام العمر به کار آیند در این صورت معلم به جای انتقال اطلاعات به دانش آموزان، آموزش مهارت های فکری اثر بخش به آن ها و ایجاد علاقه به آن ها را در اولویت قرار می دهد. یکی دیگر از ابعاد مسأله این است که یادگیرندگان درجات مختلفی از کارآمدی را تجربه می کنند و اهداف مشخص و انتظارات خاص خود را از موفقیت و شکست دارند (کدیور، ۱۳۸۲).

هر چه افراد احساس خود کارآمدی بیشتری داشته باشند در انجام تکالیف موفق ترند. لذا با شناخت دانش آموزان دارای خود کارآمدی پایین می توان با آموزش جبرانی به آن ها کمک کرد تا احساس توانایی و کارآمدی بیشتری کسب کنند. بنابراین متناسب نبودن سبک یادگیری دانش آموزان می تواند موجب شکست آن ها در تحصیل شود و از طرفی این شکست عاملی برای تضعیف کارآمدی شخص و در نتیجه کمرنگ شدن انگیزش پیشرفت آن ها باشد. به نظر می رسد که با توجه به تحقیقات پیشین سبک های یادگیری بر روی خود کارآمدی و خود کارآمدی بر روی انگیزش پیشرفت تأثیر گذار است و مسأله اصلی

تحقیق بررسی این تأثیر گذاری هاست. مطالعه سبک های یادگیری، انگیزش پیشرفت و خودکارآمدی جهت بهبود تدریس و عملکرد یادگیرندگان می تواند هم چنان از مباحث مهم پژوهشی در جهان باشد و پژوهش حاضر نیز در این راستا حرکت کرده است.

اهمیت و ضرورت

عدم توجه تصمیم گیرندگان در کسب اطلاعات و مهارت های لازم برای یادگیری و حل مسأله باعث کاهش انگیزه های تحصیلی، افزایش افت تحصیلی و ترک تحصیل و هم چنین موجب عدم موفقیت در تصمیم گیری های تحصیلی و شغلی می شود و در نتیجه موجب احساس بی کفایتی، نارضایتی و تغییر رشته تحصیلی و شغلی، افسردگی، اتلاف وقت و انرژی و عدم بهره وری فردی و اجتماعی می گردد و ضرر و زیان هنگفتی به افراد جامعه و در پی آن آموزش و پرورش و آموزش عالی وارد می آورد.

دنیس^۱ (۲۰۰۴) هم بیان می کند معلمان باید با انواع مختلف سبک های یادگیری دانش آموزان آشنا باشند و با هر کدام از آن ها تا حد امکان متناسب با سبک او برخورد نمایند.

هم چنین قضاوت های مربوط به خودکارآمدی نیز به دلیل نقش مهمی که در رشد انگیزش درونی دارد از اهمیت خاصی برخوردار است. انگیزش درونی وقتی رشد می کند که فرد برای دستیابی به معیارهای هیجان انگیز تلاش می کنند. در این صورت هم یک خود کارآمدی بالقوه برای دستیابی به این معیارها در فرد ایجاد می شود و هم در صورت دستیابی به نتیجه، فرد به خود سنجی مثبتی دست پیدا می کند. این علاقه درونی موجب تلاش های فرد در طولانی مدت و بدون حضور پاداش های محیطی می شود (پروین و جان،^۲ ۲۰۰۱؛ ترجمه کدیور، ۱۳۸۴).

پژوهش های بندورا و شانک (۲۰۰۱) نشان می دهد که خود کارآمدی باعث افزایش تلاش، مقاومت و انعطاف پذیری می شود و نهایتاً بر سطح موفقیت افراد تأثیر می گذارد.

^۱. Denis.

^۲. pervin & John

عدم علاقه و انگیزه در برخی از دانش آموزان از معضلات بزرگی است که امروزه دست اندرکاران مسائل آموزشی و تعلیم و تربیت با آن مواجه هستند و همواره در صدد یافتن روش هایی برای مرتفع ساختن آن بوده اند.

پاجارس^۱ و شانک (۲۰۰۱) بیان می کنند که باورهای خود کارآمدی تعیین می کنند که افراد تا چه اندازه ای انرژی صرف فعالیت های خود می کنند و چه مقدار در برابر موانع مقاومت می کنند هم چنین خود کارآمدی با ایجاد انگیزه در فرد موجبات پیشرفت او را فراهم می سازد.

زیمرمن^۲ (۱۹۸۶) اظهار می دارد که مطالعه ی خود تنظیمی در پایه های تحصیلی بالاتر اهمیت بیشتری پیدا می کند. زیرا با ورود به دبیرستان از دانش آموزان انتظار می رود که بسیاری از مطالب درسی را در محیط هایی غیر از مدرسه مطالعه کنند. آن ها باید به محیط مطالعه خود ساختار بخشند. برای مطالعه دروس مختلف و پرداختن به سرگرمی ها یک برنامه ی زمانی تهیه کنند. با استفاده از راهبردهای انگیزش خودشان را وادار سازند که در حضور محرک ها و جنبه های جالب توجه دیگر به مطالعه بپردازند و بسیاری از برنامه ریزی ها و بازبینی ها را انجام دهند. بنابراین اهمیت و ضرورت مهارت های انگیزش و خود تنظیمی در دوره متوسطه بیشتر از دوره های دیگر است.

کیم (۲۰۰۳) بیان می کند که باورهای خود کارآمدی با عملکرد تحصیلی رابطه ای مستقیم و مثبت دارند و اثر وسیعی بر فرآیندهای انگیزش دارند. در مجموع بررسی رابطه این سه متغیر از اهمیت خاصی به لحاظ علمی برخوردار است چرا که با کسب اطلاعات کافی در این زمینه می توان برنامه های آموزشی مناسبی برای دانش آموزان، معلمان و حتی والدین طراحی کرد و زمینه را برای افزایش عملکرد تحصیلی گروه های مختلف در دانش آموزان فراهم نمود.

^۱ . Pajares.

^۲ . Zimmerman.